

زنان و سیاست با تأکید بر چهار رمان فارسی^۱

حمید رضایی* / ابراهیم ظاهری عبدوند**

دریافت مقاله:

۹۲/۷/۲۷

پذیرش:

۹۳/۲/۲۰

چکیده

در این مقاله، به بررسی نقش زنان در فعالیت‌های سیاسی انعکاس یافته در رمان‌های ساریان سرگردان، عطر رازیانه، راز سرزمین من و سمفونی مردگان پرداخته شده است. روش پژوهش، تحلیلی و توصیفی است. شخصیت‌های زن در رمان نویسندگان زن، از نظر مشارکت سیاسی نقش فعالی داشتند. آنها نه تنها از آگاهی سیاسی بالایی برخوردار هستند و درباره مسائل سیاسی گوناگون جامعه به اظهار نظر می‌پردازند؛ بلکه خود عضو احزاب سیاسی‌اند و در درگیری‌های سیاسی و تظاهرات‌ها شرکت می‌جویند؛ اما در رمان نویسندگان مرد، شخصیت‌های زن نسبت به شخصیت‌های مرد، مشارکت سیاسی کم‌رنگ‌تری دارند، آگاهی سیاسی آنها کم است و این نویسندگان بیشتر کوشیده‌اند تا تأثیر حوادث سیاسی معاصر را بر زندگی زنان نشان دهند تا اینکه شخصیت‌های زن را درگیر مسائل سیاسی کنند. همچنین در آثار مورد بررسی، دیدگاه‌های مردسالارانه و سنتی به عنوان مهم‌ترین مانع حضور زن در اجتماع و به خصوص عرصه سیاست نام برده شده است.

کلیدواژه‌ها: رمان، سیاست، زنان، مردسالاری.

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی است که تحت حمایت دانشگاه پیام نور است

* استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور faanid2003@yahoo.com

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهرکرد (نویسنده مسئول) zaheri_1388@yahoo.com

مقدمه

یکی از عواملی که همواره موجب تغییر سبک‌ها شده، انقلاب‌ها، جنگ‌ها و به طور کلی تغییر شرایط سیاسی و اجتماعی است. ادبیات فارسی نیز به دلیل تحولات گسترده در دوران معاصر همواره تغییر کرده و سبک‌های جدیدی در آن به وجود آمده است. انقلاب اسلامی، یکی از عواملی است که سبب شد گفتمان جدیدی وارد ادبیات فارسی شود که می‌توان آن را با رویکردهای متفاوت بررسی کرد. یکی از این رویکردها، نقد سیاسی است؛ زیرا شاعران و نویسندگان عصر انقلاب و نیز نویسندگان ادبیات اجتماعی، جامعه‌شناس، تحلیل‌گر و محقق علوم اجتماعی نبودند؛ اما به یمن احساس قوی و هنری خود، چنان توصیف و تحلیل‌هایی از جامعه عصر خود و تحولات کرده‌اند که خواننده از خلال نوشته‌هایشان می‌تواند به تصویری بسیار دقیق‌تر از آنچه ممکن است از طریق مطالعه نوشته‌های وقایع-نگاران حاصل کند، دست یابد (خارابی، ۱۳۸۰: ۱۲).

ادبیات همواره با نظام‌های سیاسی رابطه دوسویه داشته؛ یعنی اینکه ضمن تأثیرپذیری از نظام حاکم، فرهنگ و گفتمان آن نظام را منعکس ساخته و حتی در برخی دوره‌ها ادبیات ابزاری بوده است برای انتقاد و نشان دادن نقاط ضعف و قوت یک حکومت؛ بنابراین «باید پذیرفت که یکی از محورهای نقد، نقد سیاسی است. نمی‌توان این امر مهم را انکار کرد که ادبیات می‌تواند دنیا را متحول کند. انقلابی که ادبیات را بر پا می‌کند، نشانگر سیاسی بودن آن است (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۳۰). از جمله مسائل قابل بررسی در نقد سیاسی عبارت‌اند از: بررسی مسائل سیاسی داستان؛ مواضع نویسنده درباره این مسائل؛ بررسی و ارزش‌گذاری محورهای سیاسی داستان با توجه به زمان نوشتن اثر؛ نویسنده در صدد مبارزه با چیست و بیان مسائل رنج‌آور برای نویسنده کدامند (همان: ۳۱). متون ادبی

پیوسته بعدی سیاسی داشته‌اند، با بررسی دقیق‌تر این متون می‌توان نشان داد که- یا از طریق آنچه می‌گویند و یا از طریق آن‌چه نمی‌گویند - نسبت به مسائل اجتماعی چه موضعی اتخاذ می‌کنند. سه رویکرد در زمینه نقد سیاسی وجود دارد: منتقدان مارکسیست که به استثمار طبقاتی و اجتماعی و به ساز و کارهای فرهنگی که مانع از آگاهی مردم از وضعیت استثمار شده‌شان می‌شوند، توجه خاصی نشان می‌دهند؛ نژادپرستان که به مبارزه با نژادپرستی و انعکاس آن در ادبیات توجه دارند. شاخه سوم فمینیست است که این رویکرد، نویسندگان فراموش شده یا به حاشیه رانده شده زن را دوباره کشف و تاریخ ادبیات زنان را تثبیت کرده است. (برتز، ۱۳۸۲: ۱۵۲)

هدف در این مقاله، نقد سیاسی چهار رمان نوشته شده بعد از انقلاب اسلامی و بررسی نقش زنان در مسائل سیاسی این رمان‌هاست. رمان‌های مورد بررسی عبارت‌اند از: *ساریان سرگردان* از سیمین دانشور، *عطر رازیانه* از فرشته ساری، *راز سرزمین من* از رضا براهنی و *سمفونی مردگان* از عباس معروفی. علت انتخاب این داستان‌ها این است که نویسندگان این داستان‌ها به مباحث سیاسی و اجتماعی توجه خاصی نشان داده‌اند، با توجه به برهه زمانی انتخاب شده، این نویسندگان از نویسندگان برجسته محسوب می‌شوند و آثار آنها جزء آثار مهم در این زمینه هستند.

زنان در عصر جدید، به صورت فعال وارد عرصه سیاست شدند و نقش مهمی در توسعه جوامع بر عهده گرفتند. «ورود زنان به قلمرو سیاست امری بود ضروری و اساسی؛ زیرا تمامی جوامع مردسالارند و مسلماً نمی‌توان برای آغاز کردن و پیشبرد تغییرات لازم به مردان اتکا کرد.» (گرت، ۱۳۷۹: ۱۶۸) بعد از انقلاب مشروطه، به سبب فعالیت‌ها و تصمیم‌های گرفته شده، تغییراتی در

زنان در عرصه فرهنگ‌سازی فعال شده‌اند و اگر جنب‌وجوشی هست، در این زمینه است.» (احمدی، ۱۳۸۱: ۱۴)

پیشینه تحقیق

تاکنون به صورت مستقل به بررسی نقش زنان در عرصه سیاست با تکیه بر داستان‌های فارسی پرداخته نشده؛ اما در برخی کتاب‌ها و مقاله‌ها به صورت پراکنده به این موضوع اشاره شده است؛ برای نمونه در کتاب‌های *صد سال داستان‌نویسی از میرعابدینی*، *جلوه‌هایی از ادبیات سیاسی امروز ایران* از محمدرضا سرشار، *گزاره‌هایی در ادبیات معاصر ایران* از علی تسلیمی، *ادبیات معاصر ایران* (نثر) از محمدرضا روزبه، *زنان در داستان از نرگس باقری*، *رمان‌های معاصر فارسی از میمنت میرصادقی*، *نویسندگان پیشرو ایران از محمدعلی سپانلو و تصویر زن در ده سال داستان‌نویسی انقلاب اسلامی* از زهرا زواریان و در مقاله‌هایی مانند «زن در ادبیات داستانی بعد از انقلاب» از ناهید رود افشان، «بررسی مقایسه‌ای موضوعات و درون مایه‌های مرتبط با زنان در داستان‌های زن‌محور زنان داستان‌نویس (۱۳۸۰-۱۳۰۰)» از محمود بشیری و «نمادپردازی در رمان‌های سیمین دانشور» از حسینعلی قبادی اشاره‌هایی به این موضوع شده است.

خلاصه رمان ساربان سرگردان

هستی به علت ارتباط با گروه‌های سیاسی به خصوص مراد زندانی می‌شود و مراد نیز خود را به نیروهای ساواکی معرفی می‌کند. هستی برای گمراه کردن ساواک، سخنانی بر زبان می‌آورد که خلاف واقع است. سلیم، سعی می‌کند او را از زندان فراری دهد؛ اما هستی، فرخنده را فراری می‌دهد. سلیم وقتی از طریق فرخنده از اعترافات هستی با خبر می‌شود، فکر می‌کند هستی به او خیانت کرده است؛

زندگی زن ایرانی به وجود آمد؛ چنان که برخی از آنها وارد مدارس و دانشگاه‌ها شدند، به فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی پرداختند و با خارج شدن از حیطه خصوصی، پا به عرصه عمومی گذاشتند. در زمان رضاشاه، مهم‌ترین مسئله زنان کشف حجاب (نیکخواه قمصری، ۱۳۸۴: ۱۵۴) و در دوره حکومت محمدرضاشاه، تصویب حق رأی برای آنها در سال ۱۳۴۳ ه.ش. بود که پس از اعطای حق رأی، آنها توانستند به مقام وزارت برسند و به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شوند. «به عنوان مثال در سال ۱۳۵۳، ۱۲۵ زن در پست‌های نمایندگی مجلس، معاونت وزیر، مدیرکل، وکالت دادگستری، قضاوت و ریاست انجمن‌های شهر و روستا حضور داشتند. تعداد نمایندگان زن در دوره بیست و یکم مجلس، شش وکیل و دو سناتور، در دوره بیست و سوم، ۱۶ وکیل، چهار سناتور و در دوره بیست و چهارم، بیست وکیل و چهار سناتور بود.» (ناجی راد، ۱۳۸۲: ۲۵۴) زندگی زنان بعد از انقلاب اسلامی، بیش از همه دوران‌های قبل دچار تحول شده است: «در ایران عصر انقلاب و به ویژه در سال‌های اخیر و براساس موازین اسلامی و دیدگاه‌های خاص آیت‌الله خمینی هم نقش زنان و میزان حضور و فعالیت‌های آنان در صحنه اجتماع در چارچوب ضوابط اسلامی فزونی یافته و به ویژه امر گسترش آموزش زنان، در نهایت به فزونی و نه لزوماً پیشرفت کیفی آثار ادبی مربوط به زنان منجر شده است. انتخاب زنان به عنوان نماینده و مشارکت آنان در کارهای مطبوعاتی و ورزش و اجرایی و به ویژه آغاز حضور آنان در سمت‌ها و فعالیت‌های قضایی و حقوقی، زمینه را برای ابراز لیاقت زنان در چارچوب ضوابط اسلامی، بیش از پیش فراهم کرده است.» (یاحقی، ۱۳۸۰: ۳۶۰) قابل ذکر است که بعد از انقلاب اسلامی «زنان ایران به کار اجتماعی گرایش بیشتری دارند تا کار سیاسی و اکنون

بنابراین با نیکو ازدواج می‌کند. هستی همراه مراد به دستور کراسلی به جزیره سرگردانی فرستاده می‌شود و بعد با کمک گنجور و ساریان سرگردان از آن جزیره نجات می‌یابند و به خانه سرادوارد برده می‌شوند. مراد به نزد خانواده‌اش باز می‌گردد و هستی برای مدتی در آن خانه می‌ماند. در این مدت عقدا نامه بین خود و سلیم را در حضور سلیم پاره می‌کند. پس از مدتی کراسلی فکر می‌کند هستی و مراد مرده‌اند؛ بنابراین آنها به زندگی خود ادامه می‌دهند. در ادامه انقلاب می‌شود، اوضاع کشور به هم می‌ریزد و عدّه‌ای مانند احمد گنجور قصد خروج از کشور را دارند. هستی با مراد ازدواج می‌کند و به خانه توران می‌روند. توران می‌میرد و هستی نیز صاحب فرزندی می‌شود. مراد که در آغاز داستان شخصیتی سیاست زده بوده است، سیاست را رها می‌کند و به زندگی معمولی‌اش می‌پردازد. با شروع جنگ نیز وی تصمیم می‌گیرد به جبهه برود و با لوله‌کشی کردن برای رزمندگان آب شرب آنها را تأمین کند.

مسائل سیاسی رمان ساریان سرگردان

حوادث سیاسی این داستان، شامل مسائل کودتای بیست و هشت مرداد تا پیروزی انقلاب اسلامی است. گفته می‌شود پس از کودتا اختناق و خشونت، به فاشیسم و استبداد مطلق منجر شد، این وضعیت با پلیس و سازمان امنیت ادامه یافت و زندان‌ها از گروه‌های مختلف با هر طرز فکری پر شد. (دانشور، ۱۳۸۰: ۷۸-۷۷) از انقلاب سفید شاه و اصلاحات ارضی سخن به میان می‌آید که تز آمریکایی‌ها بود، امینی و ارسجانی از آن حرف زدند؛ اما آن شاه را ربود. (همان: ۷۸) نحوه حکومت کردن رژیم نیز در این دوران بدین گونه به تصویر کشیده می‌شود: «در این رژیم حتی یک روز حکومت بدون سرنیزه و شلاق امکان ندارد.» (همان:

۷۹) از دیگر مسائل سیاسی، اشاره به فعالیت گروه‌های مختلف فعال سیاسی مانند مذهبی‌ها و گروه‌های چپ‌گرا است. سلیم نماینده گروه مذهبی است و مراد و مرتضی، نمادی از فعالان سیاسی چپ‌گرا هستند که معتقدند برای براندازی رژیم شاهنشاهی باید وارد مبارزه مسلحانه شد. دکتر ساواکی در گفت‌وگوی با استاد مانی، ضمن اشاره به این گروه‌ها، از بیشتر بودن گروه‌های مذهبی سخن می‌گوید. (همان: ۷۱) خود دکتر نیز نمادی از گروه‌های سلطنت‌طلب است: «ایران بدون اعلی‌حضرت، آدم بدون سر است.» (همان)

ساواک نیز مهم‌ترین نقش را در مبارزات سیاسی این دوران دارد؛ چنان که به تعقیب مبارزان سیاسی می‌پردازد، آنها را دستگیر، زندانی و حتی اعدام می‌کند. فرخنده در گفت‌وگو با هستی این گونه به شکنجه‌های آنها اشاره می‌کند: «دست‌هایم را بین، ناخن‌هایم را کشیده‌اند. همه تم را با آتش سیگار یا فندک سوزانیده‌اند.» (همان: ۶۳) جدای از اشاره به نوع فعالیت ساواک، از رقابت بین ساواکی‌ها و نیروهای شهربانی نیز پرده برداشته می‌شود. (همان: ۶۲) همچنین اشاره به نقش کشورهای بیگانه مانند آمریکا و انگلیس در کشور، در زمان حکومت محمدرضاشاه است؛ برای نمونه بیژن درباره نقش آمریکا در ساواک به سلیم می‌گوید: «پدرم با وجودی که گاراژدار است با از ما بهتران سر و کار دارد. - یعنی با ساواک؟ - نه. با پدر ساواک. مستشارهای آمریکایی مشاور ساواک.» (همان: ۱۹) در این داستان کراسلی و مردان، مظهر آمریکایی‌های در ایران و سرادوارد نماینده انگلیسی‌ها هستند. کراسلی علت حضور آمریکایی‌ها را در ایران از انسان‌دوستی آنها می‌داند؛ اما از نظر هستی علت حضور آنها در ایران و دیگر کشورهای مستعمره، موضوع نفت است. (همان: ۱۱۹) روابط بین این دو کشور در ایران، از طریق رابطه بین ادوارد و کراسلی

بررسی نقش زنان در فعالیت‌های سیاسی (سرگردانی سیاسی)

از نظر مشارکت سیاسی، زنان نقش فعالی در این داستان دارند. «مشارکت سیاسی، ممکن است در جهت حمایت یا علیه نظام سیاسی حاکم صورت گیرد و به شکل شرکت در گزینش رهبران سیاسی یا همکاری در اداره امور جامعه باشد و یا به صورت تظاهرات‌ها، شورش‌ها، اجتماعات، راه-پیمایی‌ها، اعتصاب‌ها و اغتشاش‌ها ظاهر شود.» (چابکی، ۱۳۸۱: ۱۰۸) شخصیت‌های زن این رمان، هم عضو گروه‌های سیاسی هستند و هم از آگاهی و بینش سیاسی درستی برخوردارند. مشارکت سیاسی در دو سطح رخ می‌دهد: توده مانند شرکت در انتخابات، احزاب، انجمن‌ها و تجربه‌های اجتماعی، و نخبگان همچون حضور در مجلس، قوه مجریه و داشتن مناصب عالی. (کاظمی‌پور، ۱۳۸۳: ۲۱۷) در این داستان مشارکت سیاسی در سطح توده است. هستی، شخصیت اصلی داستان، در وزارت فرهنگ و هنر مشغول به کار است و به کارهای نقاشی و هنری می‌پردازد. وی معتقد است فعالیت سیاسی انجام نمی‌دهد و «انقلابی که نیستم هیچ، از سیاست هم سر در نمی‌آورم» (دانشور، ۱۳۸۰: ۷۲)؛ اما او در اعتصاب بر ضد شاه شرکت می‌کند و در فعالیت‌های سیاسی که «مراد» و «سلیم» انجام می‌دهند، به عنوان پیام‌رسان و مددکار حضور دارد و به جرم همین همکاری است که به زندان افکنده می‌شود. او برخلاف فرخنده، به گروه سیاسی خاصی وابسته نیست و در حقیقت در بین احزاب و گروه‌های مختلف سیاسی سرگردان است. «من قاطی پاتی هستم. گاهی فکر می‌کنم چپ انسان دوستم و هوادار خلیل ملکی و گاهی فکر می‌کنم به قدرت متحرک مذهبی معتقدم و پیرو جلال آل احمد.» (دانشور، الف ۱۳۸۰: ۸۷) در حقیقت این شخصیت

به تصویر کشیده می‌شود: «کراسلی اشخاص را به جزیره سرگردانی حواله می‌دهد و سرادوار با دوز و کلکی که بیش از سه قرن دوز و کلک پشت سرش است، آنها را نجات می‌دهد.» (همان: ۱۰۹) علی سربندری نیز از زبان معلم خود می‌گوید استعمار از دوران صفویه در ایران نفوذ کرده است و جنگ بین ایران و دولت عثمانی را انگلیسی‌ها به راه انداختند تا جلوی حمله عثمانی‌ها به اروپا گرفته شود. هستی ضمن تأیید سخنان او می‌گوید علت استعمار شدن کشور ما کشورهای استعمارگر هستند؛ زیرا «استعمارگران توده‌های مردم کشورهای جهان سوم را در فقر و جهل نگه می‌دارند تا بتوانند خوب بچپاندشان.» (همان: ۱۷۹)

اشاره‌های کوتاهی نیز به کشتارهای دوره رضاخانی به خصوص زندانیان سیاسی می‌شود که دکتر احمدی از طریق سوزن هوا آنها را می‌کشت: «یک دکتر بیخودکی، به او آمپول هوا می‌زند و می‌کشدش.» (همان: ۵۷) در پرداختن به مسائل انقلاب بیشتر به واکنش قشر مرفه جامعه پرداخته می‌شود که درصدد هستند اموال خود را بفروشند و پول آن را به کشورهای دیگری انتقال دهند؛ چنان که پدر زن بیژن چنین می‌کند: «جناب وزیر خانه‌اش را قول نامه کرده است که بفروشد و پول‌هایش را پوند بکند و به انگلستان بفرستد.» (همان: ۱۴۷) هستی نیز در گفت‌وگو با مراد از اعتصاب‌ها و راهپیمایی‌های دوران انقلاب سخن می‌گوید. استاد مهندس، به پیروزی انقلاب و گروه‌های مذهبی اشاره می‌کند: «آقایان، همه چیز دست مذهبی‌هاست. با امام در نوفل لوشاتو در تماسم. به زودی شاه می‌رود.» (همان: ۲۴۴) به جنگ تحمیلی نیز پرداخته و از اعزام نیروها به جبهه و شهید شدن رزمندگان سخن گفته می‌شود.

«نماد سرگردانی جوانان ایرانی است که از طرفی دچار ایسم‌ها و ایده‌های متفاوت بودند؛ از طرفی سنت‌های دینی و ملی را هم مفید و هم از جهاتی دست و پا گیر و تحکم‌آمیز می‌دیدند و از دیگر سو، در عین اینکه غرب را عامل ویرانی و تباهی کشورهای شرقی و عقب‌مانده می‌دیدند، صنعت پیشرفته و جامعه مدنی و مردم‌سالار آنها را می‌ستودند و از جهتی به افتخارات گذشته چشم داشتند و از جهتی، همان گذشته را عامل ترس و تباهی و واپس‌ماندگی خود می‌دانستند.» (قبادی، ۱۳۸۶: ۷۱) هستی به علت همین سرگردانی و برای یافتن راه درست همواره از شخصیت‌هایی مانند استاد مانی، مراد و فرخنده درباره موضوع‌های مختلف از جمله سیاست سؤال‌هایی می‌پرسد که از طریق آنها، خواننده به وضعیت سیاسی کشور و وجود طیف‌های مختلف سیاسی آشنا می‌شود؛ البته خود او نیز از وضعیت سیاسی جامعه آگاه است. وی به انتقاد از غرب می‌پردازد؛ چرا که اندیشه‌های غربی را موجب سیاست‌بازی، افسار گسیختگی و سرگردانی می‌داند (همان) و راه نجات را در شرق و پابندی به ایمان می‌بیند: «شرق یاد می‌دهد که بر خود مسلط باشیم و عشق بورزیم و خود را در راه خدا فنا کنیم.» (همان) در پایان هستی به این باور می‌رسد که در دنیا یک طبقه است و «آن هم طبقه انسانی است.» (همان: ۱۰۰) عشق است که می‌تواند این طبقه را حفظ و به هم پایبند کند. وی براساس همین تفکر است که اندیشه‌های ضد جنگ می‌یابد و درباره جنگ می‌گوید: «به جای اسلحه، اسباب‌بازی بسازند، کشت و زرع کنند و مردم گرسنه جهان را سیر کنند.» (همان: ۲۸۴)

فرخنده (فرزانه) درفشان از دیگر شخصیت‌های زن این داستان است که عضو گروه‌های چپ-گرا است. قابل ذکر است حزب توده یکی از نخستین تشکل‌هایی است که زنان را به عرصه

سیاست وارد کرد. (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۹: ۱۰) حزب توده، تنها سازمانی بود که زنان را پیوسته بسیج و با قدرت تمام برای حقوق آنها مبارزه کرد. جامعه زنان حزب، خواستار گسترش حقوق سیاسی اجتماعی، کلاس‌های سوادآموزی و باشگاه‌های آموزشی برای زنان بود و آنها برای گرفتن حق رأی برای زنان دولت وقت را تحت فشار گذاشتند. (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۳۰۵-۳۰۴) وی براساس اندیشه‌های چپ‌گرایانه، وارد مبارزه‌های مسلحانه می‌گردد؛ اما دستگیر و به زندان افکنده می‌شود. در زندان در گفت‌وگو با بازجوها و هستی، به بیان اندیشه‌های سیاسی خود می‌پردازد. از نظر آگاهی‌های سیاسی، اطلاعات او گسترده است: «این دختر «درخت چه کنم؟» کلاس واقعاً انقلابی شده بود و چه اطلاعات وسیعی داشت.» (همان: ۷۶) خواننده از طریق اوست که با اندیشه‌های جبهه دموکراتیک خلق، هدف غرب و مدرنیته، وضعیت سیاسی کشور بعد از کودتای بیست و هشت مرداد و اهداف دولت‌های بر سر کار آمده بعد از کودتا آشنا می‌شود؛ چنان که در گفت‌وگو با هستی درباره وضعیت کشور بعد از کودتا بیان می‌کند: «بعد از بیست و هشت مرداد، اختناق و خشونت، به فاشیسم و استبداد مطلق منجر شد و با پلیس و سازمان امنیت ادامه یافت و زندان‌ها پر شد.» (همان: ۷۷) یا درباره اندیشه‌های مدرنیته در غرب می‌گوید: «هدف جهان غرب، رازدایی از جهان است براساس تعقل. کتاب طبیعت را به وسیله فیزیک و ریاضی می‌نویسند و کشف آن به وسیله عالمان و فیلسوفان است.» (همان) به طور کلی شخصیت سیاسی فرخنده این گونه است: «تو سیاست‌زده‌ای منهای وابسته بودن به یک حزب سیاسی غیرفرمایشی.» (همان: ۷۹) عشرت، مادر هستی است که در آغاز، زندگی‌اش آمیخته با بی بندوباری است و در این دوران، زندگی او نمادی از «زن جدید و

به سنت‌ها؛ بسیار وفادار به شوهر و مطیع و متقاد؛ محصور در چهار دیواری خانه و آشپزخانه و مجالس زنانه و آرایشگاه و حمام سونا و زر و زیور.» (سرشار، ۱۳۹۱: ۶۲)

خلاصه رمان *عطر رازیانه*

این داستان از زاویه دید سوم شخص و از زندگی خانواده‌ای سخن می‌گوید که پدر به شیوه پدرسالارانه‌ای زنان را تا لبه‌های پرتگاه می‌راند. (تسلیمی، ۱۳۸۸: ۱۴۵) برای مرضیه خواستگار می‌آید؛ اما به علت اینکه راضیه دختر بزرگ‌تر خانواده هنوز ازدواج نکرده است، جواب مثبتی به خواستگار داده نمی‌شود. پدرش برای حلّ این مشکل، تصمیم می‌گیرد راضیه را به ازدواج شریک خود، یحیی درآورد. روز ازدواج مرضیه، راضیه فرار می‌کند و یحیی نیز به عنوان تاوان، حجره‌های پدرش را از او می‌گیرد. پدر نیز بعد از مدتی، شغل جدیدش را آغاز می‌کند. مرضیه نیز همراه شوهر و مادر شوهرش به کربلا می‌رود و با شروع جنگ، این خانواده مجبور می‌شود از کربلا به ایران بازگردد. نرگس - شخصیت اصلی داستان - دیگر فرزند خانواده است. او در آغاز همواره در اضطراب به سر می‌برد که نکند پدر همانند دیگر خواهران، مانع تحصیل او شود. وقتی پدرش از او می‌پرسد سال چندم است، به پدر دروغ می‌گوید. وی در دانشگاه به جرم فعالیت‌های سیاسی زندانی می‌شود، بعد از آزادی با البرز ازدواج می‌کند و به جست‌وجوی راضیه می‌پردازد. در ادامه از آشنایی راضیه با نگار و سعید سخن گفته می‌شود و بعد، از دوستی راضیه با آسیا سخن به میان می‌آید. نرگس با پیشنهاد البرز برای یافتن راضیه عکس او را در روزنامه چاپ می‌کند، از کسانی که صاحب عکس را می‌شناسند دعوت می‌کند که به آدرس عکاسی بروند و در میهمانی که برای این منظور ترتیب داده‌اند،

تهی از فرهنگ و سنت و دین ایرانی است که چون پشتش خالی است و به هیچ پیشینه و سستی متکی نیست، متزلزل و بد راه است.» (قبادی، ۱۳۸۶: ۷۱) وی، با تلاش افرادی همچون هستی و گنجور به زندگی بازمی‌گردد و از این زمان در فعالیت‌های سیاسی شرکت می‌کند؛ چنان که برای با خبر شدن از وضعیت گروه چپ‌گرای فرهاد درفشان همراه هستی، به خانه ویکی شکوهی می‌رود و با گفت-وگو کردن با زن همسایه شکوهی، از سرنوشت این گروه باخبر می‌شود. (همان: ۴۳) هنگامی که به خانه بازمی‌گردد، در خانه با نیروهای ساواک برخورد می‌کند که با زیرکی می‌تواند از دست آنها فرار کند. اعتقاد مهم او این است که زن و مرد باید در اجتماع در کنار هم شرکت کنند و هر دو در مبارزه‌های سیاسی سهیم شوند: «همه از زن و مرد در اجتماع به طور مساوی در همه کارها شرکت داشته باشند؛ یعنی زن فقط معشوقه، روسپی، مادر، خانه‌دار و شوهردار نباشد. زن هم مبارزه کند.» (همان: ۲۷) توران، مادر بزرگ هستی که معلم بازنشسته‌ای است، خود در مسائل سیاسی مشارکت ندارد و حتی جوانان را از درگیر شدن در مسائل سیاسی باز می‌دارد؛ اما به سبب اینکه پسرش در تظاهرات‌های دوران مصدق شهید شده است همواره از مصدق سخن می‌گوید و از او طرف‌داری می‌کند. (همان: ۵۴) زنان سیاسی دیگر داستان زندانی‌هایی هستند که هستی در زندان در گفت‌وگوی با سکینه از آنها با خبر می‌شود. در این داستان شخصیت‌های زن دیگری مانند خانم فرخی و دخترش، نیکو و مادر مراد در داستان حضور دارند که در فعالیت‌های سیاسی نقش ندارند: «کسانی مانند خانم فرخی، نیکو و ... زنان سستی مسلمان مرفه بی درد هستند؛ فاقد تحصیلات عالی، خالی از اندیشه و دغدغه فکری؛ دارای ذهنی بسیط - بی هیچ پرسش و اعتراض -؛ محافظه کار، آداب‌دان؛ پایبند سرسخت

شرکت کند. در پایان داستان گره‌گشایی می‌شود، زنی شبیه راضیه به عکاس‌خانه مراجعه می‌کند.

مسائل سیاسی رمان *عطر رازیانه*

مباحث داستان ترکیب از مسائل سیاسی و عاشقانه است. یکی از مسائل سیاسی مطرح داستان، پرداختن به روز ۱۶ آذر در دانشگاه است. نویسنده وضعیت دانشگاه‌ها را در چنین روزی چنین ترسیم می‌کند: «چند واحد ضد شورش به طرف دانشگاه می‌رفت. نرگس از عرض خیابان گذشت. گاردی‌ها با سپر و باتون از جیب‌ها پایین می‌پریدند و مقابل در اصلی دانشگاه مستقر می‌شدند.» (ساری، ۱۳۷۸: ۶۸) دانشجویان نیز به دانشگاه نمی‌آیند تا جزء هیچ دسته‌ای قرار نگیرند؛ اما اعتصابی‌ها با هجوم به کلاس‌ها، خواهان تعطیلی دانشگاه هستند و اعتصاب‌شکن‌ها سر کلاس‌ها حاضر می‌شوند. (همان: ۶۹) همچنین در دانشگاه‌ها، دانشجویانی سیاسی هستند که مخالف نظام حاکم‌اند و به گفت-وگو درباره مسائل سیاسی و نحوه کار دانشجویان می‌پردازند. آن‌گونه که نویسنده بیان می‌کند، دانشجویان به هم اعتماد ندارند و همدیگر را نیروی ساواک می‌دانند. یکی دیگر از حوادث سیاسی این داستان ترور شاه است. «روز ۱۵ بهمن ۱۳۲۹ سالگرد افتتاح دانشگاه تهران بود و شاه پس از پایان اسب سواری تفریحی بعد از ظهر در مراسم دانشگاه شرکت کرد. ناصر فخرآرایی با کارت روزنامه‌پرچم اسلام برای کسب خبر در مراسم شرکت کرد. به محض رویت شاه پنج گلوله به سمت او شلیک کرد.» (بیگدلی، ۱۳۷۷: ۱) نویسنده ضمن توضیح درباره خانه‌های ساخته شده توسط ملکه و دادن آنها به مردم، به این واقعه اشاره کرده است. (ساری، ۱۳۷۸: ۸۳) قیام پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ یکی از حوادث سیاسی و مهم در جریان انقلاب است. در پی سخنرانی امام درباره نتایج زیان‌بار حکومت

سلطنتی و افشای روابط پنهانی شاه و اسرائیل در سحرگاه پانزدهم خرداد امام را دستگیر کردند که در پی آن «با گسترش خبر دستگیری امام مردم از روستاها به سمت تهران و در تهران نیز به سمت محل بازداشت او حرکت کردند. تظاهرات مردم در قم نیز آغاز شده بود.» (جمشیدی، ۱۳۸۴: ۳۱) در این داستان نیز طلعت خانم برای این که بازگشت پدر و مادر نرگس از کربلا به ایران را به تأخیر بیندازد، به آنها نامه‌ای می‌نویسد و می‌گوید بلوایی مانند حادثه پانزده خرداد در کشور در حال رخ دادن است. (ساری، ۱۳۷۸: ۱۰۶) نرگس با شنیدن سال چهل و دو، حوادثی از این سال در ذهنش تداعی می‌شود: «نرگس روز دود گرفته‌ای را به خاطر آورد که کاروان‌سراها آتش گرفته بود و عدل‌های پنبه می‌سوخت، هزاران حلقه دود، پیچان و غرآن خوراک آسمان می‌شد.» (همان: ۱۱۲-۱۱۱) در داستان همچنین صحنه‌هایی از انقلاب اسلامی و نحوه برخورد رژیم با مردم به تصویر کشیده می‌شود. سربازان به هر کس و هر چیزی تیراندازی می‌کنند، حتی آمبولانس حامل مجروحان را به آتش می‌کشند. (همان: ۱۲۵) جنگ نیز موضوع دیگر این داستان است؛ البته نویسنده بیشتر از همدلی مردم در این زمان و نقش مخربی که جنگ در زندگی مردم داشته سخن گفته است.

بررسی نقش زنان در فعالیت‌های سیاسی (مبارزه با اندیشه‌های مردسالارانه)

برخی از زنان داستان مشارکتی در فعالیت‌های سیاسی ندارند، در جامعه‌ای مردسالار محکوم به زندگی هستند و ناچارند که این شرایط را بپذیرند و یا مانند مرضیه از خانه فرار کنند. این زنان، افرادی سنتی هستند که دغدغه‌شان مسائل درون خانه است. شخصیت‌های زن سیاسی داستان عبارت‌اند از: نرگس، لیلا و زنان زندانی. نرگس شخصیت

یاد می‌شود که به جرم پخش شب‌نامه‌ها دستگیر شده‌اند و گفته می‌شود زنانی نیز به جرم ایجاد تشکل‌های کارگری دستگیر شده‌اند: «تعدادی کارگر هم در میان تازه واردین بودند. زنان کارگر را به اتهام کوشش برای ایجاد تشکل‌های کارگری در کارخانه‌های کفش بلا، محصولات مینو و ماشین-سازی اراک دستگیر کرده بودند.» (همان: ۱۱۳)

از جمله عواملی که مانع حضور زن در اجتماع و عرصه سیاست می‌شود، نگاه مردسالارانه است: «برجسته‌ترین آنها مردسالارانه بودن ساختار سیاسی و همچنین محدودیت‌های عرفی و شرعی است که مانع از حضور پررنگ و چشم‌گیر زنان در جنبه‌های گوناگون می‌شود.» (پیشگامی فرد، ۱۳۸۹: ۴۲) در این داستان، پدر نرگس، نمادی از افرادی است که تفکری مردسالار دارند و معتقدند که زنان باید در کم اهمیت‌ترین کارها از مردها اجازه بگیرند. تحصیل‌شان، ازدواج‌شان و حتی در خوراک و پوشاک‌شان تابع مردان باشند. وی مخالف ادامه تحصیل زن است، آموختن نقاشی را برای زن حرام می‌داند و شرکت زن در فعالیت‌های سیاسی و به زندان افتادن آنها را به هیچ روی بر نمی‌تابد. (همان: ۱۰۱)

خلاصه رمان راز سرزمین من

گروهان آمریکایی همراه مترجمش به سبب شدت برف، شب را در ماشین می‌خوانند، صبح که بیدار می‌شوند، می‌بینند گرگی که در جاده آنها را دنبال کرده بود، روی ماشین است. با روشن کردن ماشین و بوق زدن، گرگ را به بازی می‌گیرند. گروهان آمریکایی مترجمش را برای آوردن کمک، به نزد اهالی روستایی می‌فرستد. بعد از بازگشت، مترجم و اهالی روستا، جسد گروهان را می‌یابند که گرگ آن را پاره کرده است. از آن پس شایعه می‌شود گرگ اجنبی‌کش پیدا شده است. در ادامه از سروان کرازلی

اصلی داستان است. وی در یک خانواده مردسالار زندگی می‌کند که شوهر کردن دختران بدون خواست خودشان است و حتی از درس خواندن آنها جلوگیری می‌شود. نرگس در چنین خانواده‌ای به‌رغم میل پدر به دانشگاه می‌رود و در رشته نقاشی به تحصیل می‌پردازد: «آقاجان هنوز نمی‌دانست چه درسی می‌خواند و هیچ وقت هم نباید می‌فهمید.» (همان: ۷۴) نرگس در آغاز عاشق می‌شود و در ادامه به مسائل سیاسی می‌پردازد. نرگس پس از رفتن به دانشگاه، با برخی از مسائل سیاسی اتفاق افتاده در کشور مانند حادثه ۱۶ آذر از طریق دوستانش آشنا می‌شود: «ماه بعد سلما که حالا دیگر دوست نرگس بود، از وقایع ۱۶ آذر بیشتر برایش گفته بود.» (همان: ۶۹) در گفت‌وگوهای که درباره دانشجویان و نحوه برخورد با آنها از سوی حکومت صورت می‌گیرد، نرگس به اظهارنظر می‌پردازد: «این جور کارها مطابق میل بالایی‌هاست که می‌خواهند شور جوانان این جوری هدایت و تخلیه بشه.» (همان: ۸۸) وی به جرم شرکت در گفت‌وگوهای سیاسی و رفتن به دانشکده فنی در روز ۱۶ آذر، دستگیر و زندانی می‌شود. در حقیقت نویسنده سعی کرده است بیش از اینکه این شخصیت را درگیر فعالیت سیاسی کند، از طریق او می‌خواهد برخی مسائل سیاسی را برای خوانند ترسیم کند. نرگس تنها در گفت‌وگوهای سیاسی که بین دوستانش انجام می‌شود دخالت می‌کند؛ اما بدون داشتن جرمی راهی زندان می‌شود. با خاطره‌های که به یاد می‌آورد، تصویری از حوادث ۱۵ خرداد در ذهنش تداعی می‌شود، بدون اینکه خود در آنها دخالت داشته باشد و پس از آزادی از زندان از طریق اوست که خواننده با صحنه‌هایی که انقلابیون و نیروهای نظامی در شهر ایجاد کرده‌اند، آشنا می‌شود. لیلی یکی دیگر از شخصیت‌های زن این داستان است که به دلیل مسائل سیاسی به زندان افکنده شده است. از زنان دیگری نیز به صورت عام

آمریکایی سخن به میان می‌آید که برای تعلیم ارتش ایران، به تبریز و اردبیل آمده است. وی شخصیتی است که خود را برتر از هر کس می‌داند؛ بدین سبب به افراد به شیوه‌های مختلف توهین می‌کند. در پایان، به دست دوازده گروه‌بان ارتشی با همراهی سرهنگ جزایری کشته می‌شود. در قسمت بعدی داستان به معرفی شخصیت تیمسار شادان پرداخته می‌شود که در تبریز با مردم با مهربانی رفتار می‌کند؛ اما بین مردم درباره او و زنش، شایعه‌های زیادی است. وی نیز پس از بازنشستگی در شیراز به دست هوشنگ، کشته می‌شود. اسناد بیلتور نیز ماهیت اهداف آمریکایی‌ها را در ایران مشخص می‌کند. این که هدف اصلی آنها جلوگیری از نفوذ کمونیست در جهان است تا اینکه دفاع از ایران در مقابل شوروی. در وصیت‌نامه سرهنگ جزایری به این موضوع پرداخته می‌شود که گروه‌بان‌ها به نزد سرهنگ می‌روند و از او می‌خواهند کرازلی را به جرم اهانت به سرهنگ و دیگر تخلفاتش بکشند که هدف اصلی‌شان در حقیقت بیدار کردن ارتش ایران است. سرهنگ نیز با آنها همراه می‌شود و از گذشته خود توبه می‌کند. در قسمت «قول حسین» از دوران کودکی حسین سخن گفته می‌شود که فرزند یک حمای بوده است و با وجود فقیربودن، در مدرسه مخصوص افراد ثروتمند درس خوانده و همواره تحقیر شده است. پس از آمدن مستشاران آمریکایی به تبریز مترجم سروان کرازلی می‌شود و بدین سبب شاهد بسیاری از تخلفات اوست. پس از ترور کرازلی، او به حبس ابد محکوم می‌شود. موقع انقلاب و آزاد شدن زندانیان سیاسی، وی نیز پس از هجده سال آزاد می‌گردد و به خانه‌اش در تبریز می‌رود که در این بین با جوانان انقلابی به تهران می‌آید و به دنبال تهمنه می‌گردد. روزی هوشنگ، سودابه و هما را در شهر می‌بیند که با کمک انقلابیون می‌تواند هوشنگ و خواهرش سودابه را

دستگیر کنند؛ اما در این بین هوشنگ، موفق به فرار می‌شود. در یکی از تظاهرات‌هاست که با شخصیتی به نام ابراهیم آشنا می‌شود و بنا بر خواست وی به خانه‌اش می‌رود. با ابراهیم به استقبال زندانیان آزاد شده سیاسی می‌رود که توسط افراد هوشنگ آسیب می‌بیند. برای یافتن تهمنه، خانه خواهرش، سودابه را می‌یابد، همراه عده‌ای از همسایه‌ها، به درون خانه می‌روند و عکس و اسنادی از خانه او با خود می‌برند. در ادامه داستان از حمله گاردی‌ها به همافرها و هنرجوهای نظامی سخن به میان می‌آید که مردم به کمک آنها می‌شتابند. در ادامه هوشنگ، شبی که حسین با تهمنه قرار ملاقات داشته است، وی را به قتل می‌رساند و خود فرار می‌کند. در قسمت «برگ» هایی از بازجویی سودابه شادان «ماهیت شخصیت سودابه بیشتر آشکار می‌شود. وی زن تیمسار شادان است که بنا بر خواست تیمسار، به یک زن فاحشه تبدیل و با افراد زیادی هم‌خوابه می‌شود. در کتاب «قول ماهی» بیان می‌شود که وی ابتدا زن سرهنگ جزایری بود، با فرماندار فرار می‌کند و پس از طلاق گرفتن از فرماندار، با افراد زیادی حتی شاه هم-خوابه می‌شود تا اینکه با فرزام ازدواج و با وی به کشورهای مختلفی سفر می‌کند. او در ایران به عضو گروهی درمی‌آید که هوشنگ و فرزام عضو آن هستند و در این گروه به جاسوسی برای آمریکا و به دلالتی فروش نفت می‌پردازد. در قسمت «قول هوشنگ» هوشنگ از خانواده خود سخن می‌گوید، نحوه آشنایی خود و خانواده‌اش را با تیمسار شادان بیان می‌کند و اینکه چگونه عضو ساواک شده است. او تیمسار شادان را می‌کشد و بنا بر درخواست مقامات آمریکایی، حسین را نیز می‌یابد و می‌کشد. پس از مدتی زندگی مخفیانه به نزد عنبر می‌رود و در این بین از رابطه نامشروع خود با زنان مختلفی سخن می‌گوید. او نیز سرانجام به وسیله رقیه در حمام خفه می‌شود. در «نامه تهمنه» نیز بیان می‌شود

خود به صورت آشکار ملت ایران را در این بین مظلوم توصیف می‌کند و آمریکایی‌ها را سبطه‌جو می‌نامد: «تعلق مترجم به مردمی مظلوم قرار گرفت و تعلق آمریکایی به حکومتی سبطه‌جو.» (همان: ۲۸) تیمسار شادان می‌گوید در زمان رضا شاه، هدف اصلی ارتش جلوگیری از کمونیست بود با سرسپردگی به فاشیسم هیتلری؛ اما در دوره جدید با همان هدف، وابسته به دموکراسی غربی آمریکایی شده است. سرهنگ جزایری که نمادی از سرهنگان مایوس و سرشکسته ارتش است، به انتقاد از این وابستگی می‌پردازد و می‌گوید رضا شاه ما را متحد هیتلر کرد و می‌بایست با روسیه بجنگیم؛ اما با رفتن رضاشاه، وضع دچار دگرگونی شد: «رضا شاه رفت و در عرض بیست و چهار ساعت، دوست ملت ایران شد دشمنش و دشمنش شد دوستش.» (همان: ۳۰۳)

از دیگر حوادث سیاسی دوران حکومت پهلوی حضور فرقه دموکرات در آذربایجان بود که پس از دو سال توسط دولت از بین رفت. از نگاه حکومت، جدا شدن آذربایجان از ایران ناشی از فعالیت‌های حزب توده است که دوباره با حمایت آمریکا به خاک کشور پیوست: «تحریکات حزب توده کمونیست ایران که حزب توده نامیده می‌شد تحریکات شوروی‌ها و رهبری عده‌ای از اشخاصی که تیمسار آنها را متجاسر می‌خواند، سبب شد که آذربایجان مدت یک سال از ایران جدا بماند.» (همان: ۱۷۲)

انقلاب اسلامی، از دیگر موضوع‌های این رمان است. براهنی نشان می‌دهد که انقلاب برآمده از شرایط نامناسب حکومت پهلوی است. وابستگی به خارجی‌ان، تبدیل شدن کشور به محل نزاع آمریکا و روسیه و اعمال انواع تحقیرها به ملت و ارتش ایران از جانب استعمارگران، از جمله عواملی بودند که سبب شد تا مردم به رهبری امام خمینی دست به

که وی پس از فرار از تبریز، به همراه فرزندش به سبلان می‌رود و در آنجا مخفیانه زندگی می‌کند تا اینکه به شیراز می‌رود، تیمسار شادان را از پشت با ضربه چاقو مجروح می‌کند و بدون اینکه بفهمند هوشنگ قاتل نهایی تیمسار است، فرزندش را به جرم قتل اعدام می‌کند.

بررسی مسائل سیاسی رمان راز سرزمین من

پس از جنگ جهانی دوم و شکل گرفتن جنگ سرد، جهان به دو قطب امپریالیسم آمریکایی و کمونیستی شوروی تقسیم شد. آمریکایی‌ها بر این بودند که جلوی پیشرفت کمونیست را بگیرند و در مقابل نیز شوروی علیه امپریالیسم فعالیت می‌کرد. کشور ایران، به علت شرایط خاص جغرافیایی و سیاسی‌اش به محل نزاع این دو کشور تبدیل شد. آمریکا با همان هدف جلوگیری از اشاعه کمونیست؛ اما در ظاهر برای قوی کردن ارتش ایران، مستشارانی را به ایران فرستاد. روسیه نیز برای رسیدن به آب‌های گرم نفوذ خود را بیشتر می‌کرد. نویسنده از زبان حسین به نقد سیاست‌های آمریکا می‌پردازد و نشان می‌دهد حضور آمریکا در ایران چندان با حضور روسیه تفاوتی ندارد و هر دو به دنبال منافع خودشان هستند؛ زیرا آمریکایی‌ها هم ثروت ایرانیان را به غارت می‌برند و هم همان نظام اشتراکی را به وجود آورده‌اند که روس‌ها در پی ایجاد آن بودند. در این بین دولت ایران نیز از منافع آمریکایی‌ها حمایت می‌کنند و با هر کس خوب نیستند او را مخالف آمریکا و به جرم طرف‌داری از روسیه مجازات می‌کنند (براهنی، ۱۳۶۷: ۱۸-۱۷)؛ البته واکنش مردم به این حضور آمریکا در ایران و دیگر کشورها متفاوت از دولت‌های آنهاست. از زبان یکی از مستشاران آمریکایی بیان می‌شود همه شرقی‌ها از آنها نفرت دارند و در این زمینه تفاوتی بین ایرانی و کره‌ای نیست. (همان: ۲۶) براهنی نیز

انقلاب بزنند. نویسنده به صحنه‌هایی از تظاهرات را ترسیم می‌کند: «غُلغُلَةُ شعارها به آسمان برمی‌خاست. گه‌گاه از دور دست صدای تیر می‌آید و یا هلیکوپتر از بالا سر رد می‌شد و مشت‌ها آسمان کوب می‌شد و بعد سرها با نظم و ترتیب طبیعی و موزون به سوی زمین و روبه‌رو برمی‌گشت. صف‌ها منظم حرکت می‌کردند، حنجره‌ها پاره می‌شد.» (همان: ۴۵۲) فرار شاه از کشور و واکنش مردم به آن، پیروزی انقلاب و نحوه برخورد با عاملان رژیم شاهنشاهی در کشور برخی دیگر از حوادث سیاسی این داستان هستند.

بررسی نقش زنان در فعالیت‌های سیاسی (زن بر ملاکنده فساد اخلاقی مردان)

نقش زنان در فعالیت‌های سیاسی این داستان از دو جنبه قابل بررسی است: نقشی که در فعالیت‌های سیاسی به صورت مستقیم دارند و دیگری، نقش آنها در برملا کردن فساد اخلاقی مردان سیاسی.

تهمینه یکی از شخصیت‌های اصلی داستان است که هم درباره شرایط سیاسی کشور سخن می‌گوید و هم خود هر چند به صورت محدود به فعالیت سیاسی می‌پردازد. وی در گفت‌وگوی با بیلتمور، از آمریکایی‌ها انتقاد می‌کند؛ چرا که از نظر وی دست نظامیان آنها به خون خیلی از مردم کشورهای دیگر آلوده است. پس از فرار از پیش تیمسار، تنها در حوادث انقلاب است که از او به عنوان رهبر یک گروه مبارز نام برده می‌شود: «تهمینه هم جزو این رهبرهاست. دیدنش غیر ممکن است.» (همان: ۵۲۴) مادر حسین، از دیگر شخصیت‌های زن این داستان است که به مسائل سیاسی جامعه توجه دارد. وی به پسر خود می‌گوید هنگام حضور فرقه دموکرات در آذربایجان، او و دیگر زنان به عنوان رزمنده برای رهایی و رسیدن زنان به آزادی وارد

مبارزه شدند: «من خودم توی قبرستان میدانی، چادرم را زده بودم به دور کمرم، با بقیه زن‌ها مشق تفنگ می‌کردم.» (همان: ۴۳۹) از نظر او، علت زورگویی شاه بر مردم ناگاهی آنها بود؛ اما بعد از آگاهی انقلاب کرده‌اند و جلوی توپ و تانک می‌ایستند. (همان: ۴۳۸) در جریان شروع انقلاب از حسین و انقلابیون می‌خواهد مواظب هم باشند، به هم گذشت داشته و همیشه اتحادشان را حفظ کنند تا همچون جریان ملی شدن صنعت نفت و دیگر حوادث سیاسی، نتیجه کوشش‌هایشان به هدر نرود. (همان: ۴۴۰) از آنها می‌خواهد همواره انقلابی بمانند، مانند گذشته به جان هم نیفتند و برای رسیدن به قدرت، همفکران خود را به زندان نیفکنند. (همان: ۴۴۳-۴۴۲) در حقیقت نویسنده بر آن بوده است تا از طریق این شخصیت، به مبارزان انقلابی گوشزد کند از حوادث گذشته مانند انقلاب مشروطه و ملی شدن صنعت نفت عبرت بگیرند تا دچار آسیب‌های آن جریان‌ها نشوند. لازم به ذکر است که اشاره شود در آغاز داستان این شخصیت، زنی سستی است؛ بنابراین بیان این نوع سخنان درباره مسائل سیاسی از زبان او باورپذیر نیست و به حقیقت‌مانندی داستان آسیب می‌رساند. هما از دیگر زنان داستان است. وی پس از ازدواج با فرزام است که همراه هوشنگ و فرزام به عضویت گروهی درمی‌آید که به جاسوسی برای آمریکا می‌پردازد و در معامله‌های نفتی به نفع آمریکا نقش مؤثری بر عهده می‌گیرد. در جریان انقلاب نیز از زنانی نام برده می‌شود؛ مانند زن آقا ابراهیم و دیگر زنان، که در تظاهرات شرکت می‌کنند و برخلاف گذشته که بیشتر از جنبه جنسی به زنان پرداخته می‌شد، از آنها به عنوان افرادی یاد می‌شود که در پیروزی انقلاب نقش مؤثری داشتند. شکوه، دختر حاجی جبار، یکی از زنان انقلابی این داستان است که معتقد با مسائل انقلاب باید با آگاهی و بیش باز برخورد کرد و از

خلاصه رمان سمفونی مردگان

یوسف پسر اول خانواده، در بحبوه جنگ جهانی و ورود نیروهای بیگانه به ایران و با دیدن چتر بازهای روس، به قصد تقلید از آنها چتر پدربزرگ را به خود می‌بندد، از پشت‌بام خانه به زمین می‌افتد، به موجودی بین انسان و حیوان تبدیل و سرانجام به دست اورهان کشته می‌شود. آیدا دختری زیبا است که در نتیجه بدخلقی‌های پدر و اورهان به دنبال فرار از این محیط عذاب‌آور است که با انوشیروان آبادانی ازدواج می‌کند و همراه او به جنوب می‌رود؛ اما پس از چند سال خود را آتش می‌زند. آیدین، فرزند تیزهوش خانواده، به سبب اعتقاداتش همواره با پدر درگیر است. پدر با راهنمایی ایاز کتاب‌های او را می‌سوزاند. وی از ترس پدر و ایاز، به فردی به نام میرزایان پناه می‌برد، خود را در زیر زمین کلیسا پنهان می‌کند و به قاب-سازی می‌پردازد. در آنجا عاشق سورملینا می‌شود و با هم ازدواج می‌کنند. اورهان پسر دیگر خانواده، به دلیل داشتن ویژگی‌های مورد نظر پدر، مورد توجه اوست. پس از مرگ پدر، قصد تصاحب حجره پدر و از بین بردن آیدین را دارد. وی با خوراندن مغز چلچله به آیدین، وی را دیوانه می‌کند. اورهان بعد از پانزده سال می‌فهمد که آیدین دختری دارد؛ بنابراین تصمیم می‌گیرد آیدین را بکشد. راهی دریاچه شورابی می‌شود؛ اما وی را نمی‌یابد و خود به درون دریاچه فرو می‌رود و غرق می‌شود.

بررسی مسائل سیاسی سمفونی مردگان

یکی از حوادث مهم این رمان، شروع جنگ جهانی دوم و تسخیر کشور به وسیله انگلیس و روسیه بود. «سحرگاه روز ۲۵ اوت سوم شهریور ۱۳۲۰ درست یازده روز بعد از انتشار منشور آتلانتیک [...] کشور بی طرف ایران از شمال و جنوب مورد

خراافات دوری گزید. (همان: ۶۴۶) هنگام حمله گاردی‌ها به پادگان‌ها و همافرها، زنان در کمک کردن به همافرها نقش مهمی داشتند؛ چنان که افرادی مانند رقیه و زن آقا ابراهیم با تهیه کوکتیل و نان از رزمندگان پشتیبانی کردند و افرادی مانند مریم و هم‌رزمانش اسلحه به دست گرفتند و مستقیم وارد میدان مبارزه شدند. (همان: ۹۴۷-۹۴۶) در هنگام سخن گفتن از مسائل دوران پهلوی، توجه نویسنده بیشتر به مسائل جنسی بوده است تا فساد اخلاقی شخصیت‌های سیاسی را نشان دهد. هم‌ا یکی از این زنان است که ابتدا با فرماندار فرار می‌کند، سپس هم‌خواه شاه می‌شود و در ادامه با فرزام هم‌بستر می‌شود و بدین طریق نویسنده نشان می‌دهد که چگونه بیشتر رجال سیاسی کشور دچار انحرافات جنسی بوده‌اند. سودابه از دیگر زنانی است که با افراد زیادی از جمله بیلتور هم‌خواه می‌شود و بدین طریق نشان داده می‌شود که نه تنها شخصیت‌های داخلی؛ بلکه شخصیت‌های سیاسی و نظامی خارجی نیز نگاهی جنسی به زنان دارند. به طور کلی در رمان *رازهای سرزمین من* نویسنده، تصویری از نقش زنان در فعالیت‌های سیاسی یا تأثیرپذیری آنها را از مسائل سیاسی ارائه داده است. او می‌خواهد نشان دهد در حکومت پهلوی، زن ابزاری در دست سیاست‌مداران داخلی و خارجی بود که از او، سوء استفاده جنسی می‌شد. در این دوره، زن به هر مقامی که برسد باز پایین‌تر از مرد است؛ چنان که هما در این زمینه می‌گوید: «می‌دانستیم رئیس آینده هوشی است. فرزام، هوشی و بعد، شاید من. زن، حتی آن بالا بالاها هم، پایین‌تر از مردهاست» (همان: ۱۱۰۱)؛ اما از نظر او، زن در دوره انقلاب هویت می‌یابد و در کنار مردان وارد صحنه‌های مختلف از جمله سیاست می‌شود.

تجاوز قرار گرفت.» (هوشنگ مهدی، ۱۳۸۷: ۴۰۵) در این رمان، اخبار جنگ بیشتر از طریق روزنامه‌ها و از زبان آیدین و ایاز برای دیگران بازگو می‌شود. آیدین از طریق روزنامه‌ای که سر و ته گرفته است، می‌گوید با کشته شدن هزاران نفر از مردم آلمان، فقط هیتلر و معشوقه‌اش زنده مانده‌اند. (معروفی، ۱۳۸۱: ۳۲) آیدین همچنین از روسیه می‌گوید که آتش جنگ در آن، هر لحظه شعله‌ورتر می‌شود: «سراسر جنگ بود و توی آن یخبندان آتش بود که زبانه می‌کشید.» (همان: ۵۰) در جنگ جهانی دوم با اینکه کشور ایران اعلام بی‌طرفی کرده بود، از شمال روس‌ها و از جنوب انگلیسی‌ها آن را غارت کردند. «لجن‌های کف شورآبی را روس‌ها با پمپ می‌کشیدند و تانکرتانکر می‌بردند.» (همان: ۵۸) نتیجه اشغال کشور برای مردم نامنی، بی‌نانی، تعطیلی کارها و آن گونه که پدر آیدین می‌گوید: «بدبختی» بوده است (همان: ۹۵) و با پایان یافتن جنگ هنوز این نامنی ادامه دارد: «با اینکه جنگ پایان یافته بود؛ اما شهرها هنوز ناامن بود.» (همان: ۱۲۰) رضا شاه بعد از اینکه می‌فهمد ضدیت کشورهای متخاصم با خود اوست نه دست یافتن به راه برای کمک به روسیه، تصمیم به استعفا می‌گیرد: «طبق گفته وینستون چرچیل، صبح روز بیست و پنج شهریور در دنبال اخبار شب قبل و حرکت قوای شوروی به سمت تهران، به شاه اطلاع دادند که قوای روس از کرج به سمت تهران سرازیر شده است و قصد این پیشروی هم معلوم می‌باشد. شاه دیگر چاره‌ای جز ترک پایتخت و کناره‌گیری ندید.» (همان: ۱۰۸-۱۰۷). در دوران رضاه شاه، خفقان شدیدی بر جامعه حکم‌فرما بود که در گفتار جابر، این موضوع بازتاب یافته است: «روزگار، روزگار نیست. سر هیچ و پوچ جوان‌ها را می‌گیرند و می‌اندازند آن تو» (همان: ۵۶)؛ با این حال گروهی علیه حکومت، فعالیت‌هایی را مخفیانه انجام می‌دهند. این‌گونه ایاز به فعالیت

کمونیست‌ها اشاره می‌کند: «شنیده‌ای کمونیست‌ها یک باغ سبز درست کرده‌اند و قاپ جوان‌های مردم را می‌دزدند؟» (همان: ۴۱) نویسنده همچنین وضعیت کشور را بعد از رفتن رضاخان ترسیم می‌کند: «در روزهای بعد از شهریور بیست، وقتی مردم شکم همدیگر را به خاطر یک نان سیاه پاره کردند...» (همان: ۵۳) با رفتن رضا شاه فضای باز سیاسی به دلایل مختلف در کشور ایجاد می‌شود که نمونه آن شکل‌گیری احزاب مختلف و فعالیت آنهاست. ایاز به جابر می‌گوید مواظب باشد بچه‌هایش گرفتار این احزاب نشوند. از جمله گروه‌های سیاسی که در این دوره فعالیت دارند و اقشار جامعه از آنها حمایت می‌کنند، توده‌ای‌ها هستند که ایاز در گفت‌وگوی با جابر به این موضوع اشاره می‌کند: «ایاز می‌گفت که ذهن شاعران تهران مسموم است، همه چپی‌اند.» (همان: ۱۷۰)

بررسی نقش زنان در فعالیت‌های سیاسی (زنان گرفتار نظام مردسالاری)

در این داستان، زنان نقش منفعلی در فعالیت‌های سیاسی دارند و نویسنده بر آن بوده است تا تأثیر حرکت‌های سیاسی را بر زندگی آنها به صورت محدود نشان دهد. فرار دختران، کشتن و تجاوز به آنها، گوشه‌ای از نتایج اندیشه سلطه‌جویانه کشورهای درگیر جنگ جهانی دوم برای زنان ایرانی بود: «به چند زن شوهردار تجاوز شده بود، امینه‌ای را تکه تکه کرده بودند، یک دختر از محله «پیر مادر» ناپدید شد و چند دختر جوان که سرو گوش-شان می‌جنبید به بهانه تجاوز سربازان روسی شهر را ترک کرده بودند.» (همان: ۱۰۲) در این داستان زنان وارد عرصه سیاست نمی‌شوند و بیشتر نقش مادر، همسر و معشوقه دارند. زنان محکوم جامعه استبداد زده و مردسالار هستند. تنها مادر آیدین است که در گفت‌وگوهای سیاسی شرکت می‌کند و سخنانی

داری یاد بگیرند، بعدها که بچه‌دار شدند، با عروسک واقعی سر و کار خواهند داشت.» (همان: ۸۵) نویسنده نگاه سنتی و مردسالار جامعه را مانع حضور زن در اجتماع و از جمله مسائل سیاسی می‌داند.

نتیجه‌گیری

در داستان‌های مورد بررسی حوادث سیاسی مختلفی مانند جنگ جهانی دوم، استعمارگری و استعمار ستیزی، وضعیت جامعه بعد از کودتای ۲۸ مرداد، اصلاحات ارضی، انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی بازتاب یافته است که در داستان‌های نویسندگان زن، شخصیت‌های زن نقش مؤثری در شکل‌گیری این حوادث دارند؛ هم خود عضو احزاب مختلف سیاسی هستند، در تظاهرات‌ها شرکت می‌جویند و هم از آگاهی بالای سیاسی برخوردارند و به اظهار و نظر و نقد مسائل سیاسی می‌پردازند که این موضوع نشانگر مشارکت سیاسی فعال آنهاست؛ اما نویسندگان مرد کوشیده‌اند تا تأثیر حوادث سیاسی مذکور را بر زندگی زنان نشان دهند. شخصیت‌های زن در داستان‌های آنها، مشارکت سیاسی پایین‌تری نسبت به داستان‌های زنان دارند و آگاهی سیاسی آنها نیز در سطح پایینی است. این شخصیت‌ها بیشتر در نقش همسر و معشوق ظاهر شده‌اند؛ اما در داستان‌های زنان، شخصیت‌های زن در کنار این نقش‌ها، نقش یک فعال سیاسی می‌یابند.

همچنین در این داستان‌ها نویسندگان به بررسی موانع حضور زنان در اجتماع پرداخته‌اند که مهم‌ترین عامل، نگاه مردسالارانه و سنتی به زنان است که از زنان خواسته می‌شود در حصار خانه باقی بمانند و در اجتماع و مسائل سیاسی شرکت نکنند.

درباره مسائل روز جامعه می‌زند که نشان از ناآگاهی او در این زمینه است. در گفت‌وگوی با شوهرش است که مشخص می‌شود او اطلاعی از حوادث رخ داده در شهر خود- اردبیل- ندارد و شوهرش است که او را نسبت به واقعیت امور آگاه می‌کند. وی درباره اشغال شهرهای شمالی و اردبیل می‌گوید: «حتماً آخرالزمان شده» (همان: ۹۶)؛ اما شوهرش می‌گوید: «نه اصلاً این طور نیست. کار کار آلمان است.» (همان: ۹۷) مشارکت مادر آیدین در مسائل سیاسی در حد همین اظهارنظرهای ناپخته است. «در رمان سمفونی مردگان، علاوه بر آنکه بسیاری از عناصر جزئی و صحنه‌ها حالتی نمادین دارند، می‌توان برای کل داستان و موقعیت و رابطه شخصیت‌ها در آن نیز معنایی نمادین در نظر گرفت. هر یک از شخصیت‌های داستان نشان‌دهنده قشر خاصی از جامعه هستند.» (بیات، ۱۳۹۰: ۲۵۷) مادر آیدین نمادی از زنانی است که گرفتار نظام مردسالار جامعه هستند؛ افرادی که حق ندارد از خانه خارج شود، تنها کار آنها ماندن در آشپزخانه و کار در آنجاست. آیدا نیز تا زمانی که پیش آنهاست مجبور چنین نظامی را بپذیرد و بعد از ازدواج نیز گرچه تا حدودی از این نظام مردسالار فاصله می‌گیرد؛ باز نشانی از حضور او در مسائل اجتماعی و سیاسی دیده نمی‌شود. فروزان دیگر شخصیت زن این داستان، در بانک کار می‌کند؛ اما بیشتر در نقش یک زن عاشق ظاهر می‌شود و سورملینا، زنی است که در نقش یک معشوق است. دیگر زنان داستان نیز مانند این زنان نقشی در حوادث سیاسی داستان ندارند. به طور کلی، در رمان سمفونی مردگان، نویسنده بیش از آنکه بخواهد دیدگاه شخصی خود را درباره وضعیت زنان بیان کند به ترسیم وضعیت آنها در این برهه تاریخی می‌پردازد. در این داستان، پدر آیدین است که نگاهی مردسالار و استبدادی به مسائل زنان دارد. او معتقد است «دخترها باید خانه-

منابع

- خمار. اراک: دانشگاه اراک.
- ساری، فرشته (۱۳۷۸). *عطر رازیانه*. تهران: علم.
- سرشار، محمدرضا (۱۳۹۱). *جلوه‌هایی از ادبیات سیاسی امروز ایران*. چاپ اول. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- قبادی، حسین‌علی و نوری خاتونبانی، علی (۱۳۸۶). «نماد پردازی در رمان‌های سیمین دانشور». *گوهر گویا*. ۱ (۳) ۸۶-۶۳.
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۳). «نقش اجتماعی شدن سیاسی و عوامل اجتماعی‌کننده در مشارکت سیاسی زنان». *مجموعه مقالات همایش مشارکت سیاسی زنان در کشورهای اسلامی*. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی. ۲۳۷-۲۱۷.
- گرت، استفانی (۱۳۷۹). *جامعه‌شناسی جنسیت*. ترجمه کتایون بقائی. تهران: دیگر.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی (۱۳۷۹). *چپ در ایران*. رضا روستا. به روایت اسناد ساواک. تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی.
- معروفی، عباس (۱۳۸۱). *سمفونی مردگان*. تهران: ققنوس.
- ناجی راد، محمدعلی (۱۳۸۲). *موانع مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی-اقتصادی ایران پس از انقلاب*. تهران: کویر.
- نیکخواه قمصری، نرگس (۱۳۸۴). *تحول نگرش نسبت به زن و تأثیر آن بر انقلاب اسلامی*. تهران: پژوهشکده امام خمینی انقلاب اسلامی.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۰). *جویبار لحظه-ها: جریان‌های ادبی معاصر ایران*. چاپ سوم. تهران: جامی.
- هوشنگ مهدی، عبدالرضا (۱۳۸۷). *تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم*. تهران: امیرکبیر.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷). *ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی*. مترجم: کاظم فیروزمند و دیگران. تهران: مرکز.
- احمدی، نوشین (۱۳۸۱). *زنان زیر سایه پدر خوانده‌ها*. چاپ چهارم. تهران.
- براهنی، رضا (۱۳۶۷). *رازهای سرزمین من*. چاپ دوم. تهران: مغان.
- برتنز، یوهانس ویلم (۱۳۸۲). *نظریه ادبی*. ترجمه فرزاد سجودی. تهران: آهنگ دیگر.
- بیات، حسین (۱۳۹۰). *داستان‌نویسی جریان سیال ذهن*. چاپ دوم. تهران: علمی و فرهنگی.
- بیگدلی، علی (۱۳۷۷). *ترورهای سیاسی در تاریخ معاصر ایران*. جلد اول. چاپ اول. تهران: سروش.
- یشگاهی‌فرد، زهرا و زهدی گهرپور، محمد (۱۳۸۹). «بررسی جایگاه و نقش زنان خاورمیانه در مشارکت سیاسی». *فصلنامه زن و جامعه*. سال اول. شماره اول. ۴۴-۲۵.
- تسلیمی، علی (۱۳۸۸). *گزاره‌هایی در ادبیات معاصر ایران (داستان)*. چاپ دوم. تهران: آمه.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۴). *اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)*. چاپ اول. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- چابکی، ام‌البنین (۱۳۸۱). «جنسیت و مشارکت سیاسی». *فصلنامه علمی و پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء*. سال دوازدهم و سیزدهم. شماره ۴۵ و ۴۴. ۱۲۸-۱۰۷.
- دانشور، سیمین (۱۳۸۰). *ساریان سرگردان*. چاپ اول. تهران: خوارزمی.
- _____ (۱۳۸۰). *جزیره سرگردانی*. چاپ سوم. تهران: خوارزمی.
- ذوالفقاری، محسن (۱۳۸۱). *از زهره تا بامداد*